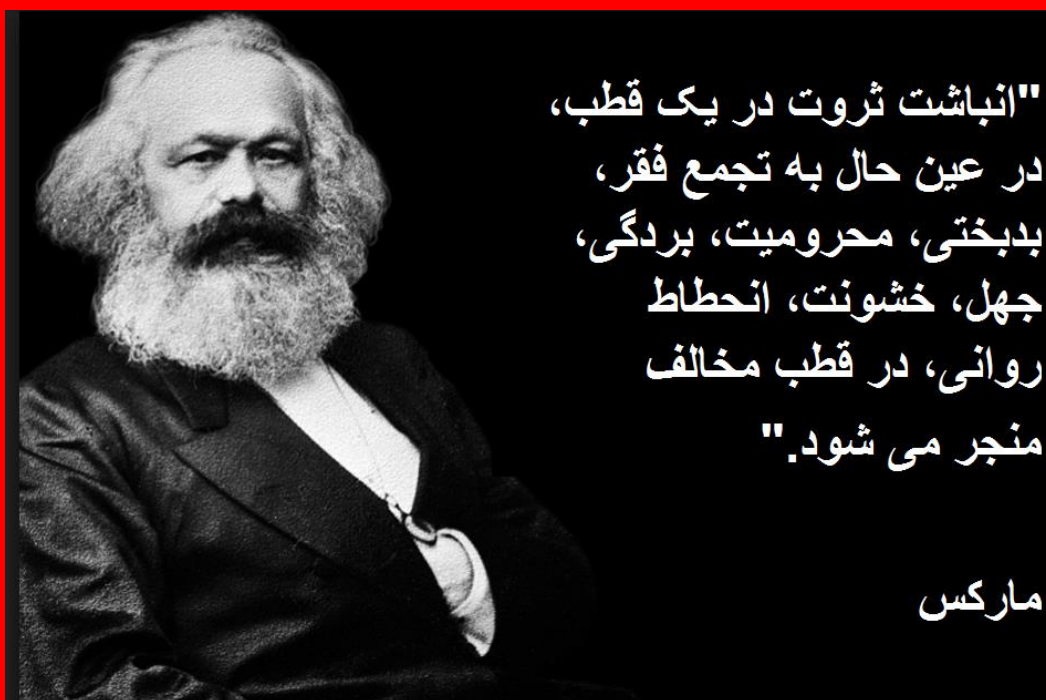


مارکسیسم

تئوری شرایط رهایی پرولتاریاست



"انباشت ثروت در یک قطب،
در عین حال به تجمع فقر،
بدبختی، محرومیت، بردگی،
جهل، خشونت، انحطاط
روانی، در قطب مخالف
منجر می شود."

مارکس

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

"فیلسوفان تنها جهان را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند، مسئله تغییر آن است."

مارکس

پنج‌ماهه دویستمین سالروز تولد مارکس است. انسان پُر شوری که بخاطر افکار و فعالیت‌های انقلابی‌اش مجبور به ترک آلمان شد، به فرانسه رفت، اخراجش کردند. به بلژیک رفت اخراجش کردند، سرانجام مجبور شد مابقی عمر پر بار خود را در فقر و تنگدستی در لندن سپری نماید. اندیشمندی که برای تحقیقات خود همیشه قادر به پرداخت ورودی گنجینه کتب موزه انگلیس نبود و برای خرید کاغذ جهت نوشتن آثار خود مجبور بود، کت خود را گرو بگذارد.

در رابطه با شرایط زندگی خود و خانواده‌اش، مارکس طی نامه‌ای به رفیق خود انگلس چنین می‌نویسد:

«همسرم مریض است. جنی کوچکم مریض است. طفلک نوعی تب عصبی دارد. نتوانستم و نمی‌توانم پزشکی را به بالینش بیاورم. برای اینکه پول داروی او را ندارم. اکنون ۸ تا ۱۰ روز است که خانواده را با نان و سیب زمینی سیر کرده‌ام و البته نمی‌دانم که آیا امروز هم قادر خواهم بود، آن را تهیه کنم. و یا نه.»

بورژوازی سالها و دهه‌ها است که با صرف هزینه‌های زیادی، کمپین ضدیت با بزرگترین دشمن طبقاتی خود، مارکس را به اشکال گوناگون، برای واژگون جلوه دادن تئوریه‌ها و اندیشه‌های انقلابی مارکس پیش برده است. ایدئولوژی‌های سرمایه‌میشبه در تقلا هستند تا القاء کنند که تحقق ایده‌های مارکس منجر به بلوک شرق سابق، کوبا، کره شمالی، کامبوج، کولاک، جنگ و ... خواهد شد، تا در روند تکامل آگاهی طبقاتی پرولتاریا سم پاشی کنند. جنایات سرمایه‌داری به حساب مارکس نوشته شده است و دستگاه تبلیغاتی بورژوازی برای به لجن کشیدن تئوریه‌های انقلابی او به هر اقدام کثیفی دست زده است. کشتار امپریالیستی میلیون‌ها انسان، قحطی ناشی از سرمایه‌داری، جنگ امپریالیستی، ترور سیاه سرمایه‌داری و ده‌ها جنایت دیگر سرمایه‌داری از عواقب تئوریه‌های مارکس و نمود داده می‌شود.

اخیرا سرمایه‌داران و موسسات آلمانی، از یک سو، به شیوه جدیدی برای به لوٹ کشیدن تئوریه‌های انقلابی مارکس دست زده‌اند و از سوی دیگر بفرکر کسب درآمد و بهره‌برداری مالی از نام مارکس شده‌اند. بمناسبت تولد مارکس، اسکناس «صفر یورویی» با عکس مارکس، سکه ضرب شده با چهره مارکس، آبجو مارکس، شراب مارکس و ده‌ها کالای دیگر برای فروش، بخصوص در مراکز گردشگری عرضه می‌شوند. مارکسیسم نه در مجسمه‌های مارکس، نه در سکه‌های ضرب شده بنام مارکس، نه در آبجو مارکس، نه در ... بلکه در نبرد طبقاتی کارگران، در آگاهی طبقاتی پرولتاری، در انقلاب کمونیستی تجسم پیدا میکند.

مارکس قبل از اینکه یک اقتصاد دان باشد، قبل از اینکه یک جامعه شناس باشد، قبل از اینکه یک فیلسوف باشد، یک انقلابی بود که برخلاف فیلسوفان در فکر تغییر جهان بود. بعنوان اندیشمند پرولتاریا تمام عمر پُر بار خود را در فقر و تنگدستی صرف تغییر جهان کرد، او کشف کرد، مبارزه طبقاتی موتور حرکت تاریخ است و اینکه این مبارزه طبقاتی در روند خود، توسط گورکن سرمایه داری، پرولتاریا، به دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا منتهی خواهد شد. او کشف کرد، دیکتاتوری پرولتاریا موجد جامعه بدون طبقه، جامعه کمونیستی خواهد بود.

علیرغم همه اینها باید تاکید کرد که این مارکس نبود که با نبوغ خودش کمونیسم را برای طبقه کارگر به ارمغان آورد، بلکه برعکس این طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی بود که مارکس را از بین تئوریسین های گوناگون بعنوان اندیشمند خود برگزید تا تئوری رهائی این طبقه اجتماعی را تدوین کند. انتشار مانیفست کمونیست قبل از هر چیز بیانگر آن بود که یک طبقه اجتماعی، به درجه ای از بلوغ اجتماعی رسیده که مانیفست خود را در مقابل سرمایه داری ارائه دهد. کمونیسم علمی دیگر به یک واقعیت در جامعه تبدیل شد و مارکس پرچمدار و اندیشمند این طبقه اجتماعی بوده و همچنان خواهد بود.

مارکسیسم نه مذهب است و نه ایدئولوژی. نه به گرامی داشت های بورژوازی مابانه نیازی دارد و نه با لجن پراکنی های ایدئولوگهای بورژوازی ضرورت خود را از دست میدهد، مارکسیسم در تضاد کار و سرمایه مفهوم پیدا می کند. تا جامعه طبقاتی وجود دارد، تا استثمار انسان از انسان وجود دارد، تا مبارزه طبقاتی وجود دارد، مارکسیسم نه تنها زنده است، بلکه تنها تئوری رهائی بردگان مزدی از جهنم سرمایه است. تنها در جامعه کمونیستی است که مارکسیسم به «گذشته» تعلق خواهد داشت.

فیروز اکبری

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷